



هیچ شک و تردیدی، خود لک است.

کافی بود او همان تشنگی‌اش برای موفقیت، همان انگیزه مثال‌زدنی و همان تمرکز را حفظ کند و از حواشی دور بماند تا همچنان گلر اول قرمزها باشد. حامد اما کاری کرد که سرخ‌ها به هر قیمتی به دنبال بیرو بروند و او را با سلام و صلوات به خانه برگردانند. لک که زمانی جای خالی بیرانوند را خیلی خوب پر کرده بود، موجب شد که علیرضا دوباره به عنوان مرد شماره یک خط دروازه به تیم برگردد و درون دروازه پرسپولیس قرار بگیرد.

یک پرواز بلند و یک فرود تلخ. این داستان حضور حامد لک در پرسپولیس بود.

دورانی که شروع خوب و پایان زشتی داشت. حالا لک باید تیم دیگری را در رقابت‌های لیگ برتر برای خودش انتخاب کند. فوتبال شبیه بازی ماروپله است و گاهی در مسیر صعود، لغزش‌های بزرگی انتظار یک بازیکن را می‌کشد. حامد هم باید به چند خانه پایین‌تر برگردد. هرچند که این بار گزیده شدن او به دست خودش افتاده است. با این وجود برای یک شروع تازه از سوی این سنگربان، چندان هم دیر نیست.

مسابقه نیز بسیار نامطمئن نشان می‌داد. اعتماد به نفس برای یک سنگربان، همه چیز است و لک این اواخر اعتماد به نفسش را به طور کامل از دست داده بود. موضوعی که موجب شد او به عنوان یک گلر، روزهای تلخی را در پرسپولیس پشت سر بگذارد.

اگر حامد این اواخر نتوانست برای پرسپولیس کار مثبتی انجام بدهد، باشگاه هم موفق نشد او را به جهت درستی هدایت کند. قرمزها موفق به حفظ رادو نشدند و عملاً برای مدتی لک در پرسپولیس بی‌رقیب بود. اتفاقی که موجب کاهش انگیزه‌های این سنگربان شد. پرسپولیس در انتخاب سنگربان ذخیره هم فاجعه‌بار عمل کرد و احمد گوهری نامطمئن و ناآماده را به خدمت گرفت. بازیکنی که اصلاً نمی‌توانست رقابتی برای لک به وجود بیاورد و کاری کرد که حامد بعد از هر بار منتقل شدن به نیمکت، دوباره به سرعت به ترکیب اصلی برگردد. از این گذشته مربی دروازه‌بان‌های پرسپولیس هم عملکرد خوبی در این تیم نداشت. داوود فنایی آنقدر ضعیف‌تر از حد انتظار نشان داد که یحیی به محض پایان یافتن فصل، عذر او را خواست و فنایی را به اولین قربانی در تغییرات کادر فنی بدل کرد. در نتیجه علاوه بر خود لک، باشگاه نیز در رقم خوردن چنین وضعیتی مقصر بوده است. با این وجود مقصر اصلی این ماجرا بدون



نقش اولی که با دستان خودش کشته شد

## صعود، سقوط و سکوت!

سنگربان در تیم‌های مختلف،

نگران پیوستنش به قرمزها بودند اما شروع او در این تیم، فراتر از حد انتظار به نظر می‌رسید. لک در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به یک مهره کلیدی برای قرمزها تبدیل شد. آن هم در شرایطی که موج‌های منفی زیادی در موردش شکل گرفته بود. او در لیگ قهرمانان آسیا، شاهکار کرد و حتی به تیم منتخب تورنمنت هم راه یافت. بدون سیوهای درخشان حامد و عملکرد چشمگیر او، پرسپولیس نمی‌توانست تا آخرین روز به ماجراجویی در آسیا ادامه بدهد. لک با مهار پنالتی سرنوشت‌ساز مایکون، تیمش را به فینال لیگ قهرمانان رساند و بهترین روزهای دوران فوتبالش را اسبیری کرد. کیفیت خوب این گلر رفته رفته به لیگ برتر هم منتقل شد و او در جریان قهرمانی لیگ بیستم با پرسپولیس، بازیکن موثری برای این تیم به شمار می‌رفت. ستاره‌ای که برخلاف سال‌های قبلی دوران فوتبالش، کاملاً در سکوت به سر می‌برد و اصلاً به جریان‌های رسانه‌ای ملحق

آر باره‌نورد

**ظاهرا آن چه در فوتبال ایران اصلاً اعتبار ندارد، قرار داد طولانی‌مدت است. همین چند ماه قبل بود که مدیرعامل باشگاه پرسپولیس قرارداد حامد لک را برای سه فصل دیگر تمدید کرد. لک اما حالا تبدیل به اولین بازیکنی شده که در فصل جدید قراردادش را با سرخ‌ها فسخ می‌کند. او تا همین ساعت‌های آخر از علاقه‌اش به ماندن در پرسپولیس صحبت می‌کرد اما ظاهراً متوجه این حقیقت شد که در تیم یحیی برای لیگ بیستم و دوم جایی ندارد. دوران حضور حامد در پرسپولیس، دوران عجیب و پرنوسانی به نظر می‌رسید.**

جدایی حامد لک از باشگاه پرسپولیس همان قدر سریع اتفاق افتاد که پیوستن او به باشگاه قم خورده بود. حامد در فضایی گلر اول پرسپولیس شد که تردیدهای بسیار زیادی در آن به چشم می‌آمد. خیلی از هواداران باشگاه با توجه به عملکرد معمولی این

چهره به چهره

ستاره‌ای که به اندازه شایستگی واقعی‌اش دیده نمی‌شود

## از اینجا برو سانی!



آر باتاری

قرار نگرفتن سون هیونگ مین در فهرست منتخب این فصل لیگ برتر انگلیس، حیرت هواداران فوتبال را به همراه داشته است. سون این فصل به صورت مشترک با مو صلاح آقای گل لیگ برتر شد و این موفقیت را در حالی به دست آورد که حتی بیشتر از صلاح در جریان بازی گل زده بود و برخلاف ستاره مصری، پنالتی‌زن اول تیمش

اتفاق روز

ایراندوست و تیم ملی در نقطه پایان

## خداحافظی اجباری!

تیم ملی فوتبال بانوان ایران مدت‌هایک تیم فراموش‌شده بود که وضعیتش برای کم‌تر مسئولی اهمیت داشت. تیمی که حتی از زکینک فیفا هم خارج شده بود و در کنج طاقچه فدراسیون فوتبال خاک می‌خورد. این تیم اما بعد از مدت‌ها در دوره اخیر فدراسیون فوتبال دوباره شکل گرفت و خون تازه‌ای وارد گه‌هایش شد. این تیم سال گذشته طعم تاریخ‌سازی را چشید و توانست برای نخستین بار برخی امکانات ویژه بهره‌مند شود. آنها همچنین اولین دختران فوتبال‌بستی بودند که پای‌شان

طلای لیگ انگلیس را به دست بیاورند اما در تمام تاریخ فوتبال باشگاهی در این کشور، هیچ بازیکنی نبوده که از قاره آسیا صاحب کفش طلا شود. کاری که سون هیونگ مین انجام داده، فراتر از حد تصور به نظر می‌رسد. او طلسمی را شکسته که محو کردنش، زمانی غیرممکن بوده است. حالا دیگر شکی وجود ندارد که او بهترین بازیکن آسیایی تاریخ لیگ برتر انگلیس است. پیش از این مقایسه‌های زیادی بین او و پارک جی سونگ وجود داشت. پارک هم فوتبال‌بست فوق‌العاده‌ای بود و با سختکوشی مثال‌زدنی‌اش در تیم سر الکس فرگوسن می‌درخشید اما هیچ‌وقت یک بازیکن ثابت در یک فصل طولانی برای یونایتد به حساب نمی‌آمد. او در خیلی از بازی‌های او ژوزه مورینیو را اعصابی کرده است. ژوزه را اشک ریختن برای استعدادهایی حرف‌زده که به اندازه توانایی‌های نابش مورد ستایش قرار نمی‌گیرد. احتمالاً چون محل تولدش قاره آسیا بوده است. هر چقدر در تاریخ فوتبال باشگاهی انگلیس به عقب بروید، بازیکنی را پیدا نمی‌کنید که از قاره آسیا در این لیگ آقای گل شده باشد. ستاره‌هایی از کشورهای مختلف، توانسته‌اند کفش

از سال ۲۰۰۸ به بعد هرگز قهرمان یک جام نشده است. پارک پنج بار با یونایتد قهرمان لیگ برتر شده و سون هیچ‌وقت چنین موفقیتی نداشته اما در مقایسه بین این دو ستاره کره‌ای، تردیدی وجود ندارد که سون بازیکن بهتر و جذاب‌تری است. محبوبیت فوق‌العاده او در بین هواداران اسپرز اصلاً به سادگی به دست نیامده است. او عادت کرده که در همه بازی‌ها، یک تفاوت بزرگ ایجاد کند. نقش این ستاره حتی در مسیر خلق اولین حضور تاریخ باشگاه تاتنهام در فینال لیگ قهرمانان انکار نشدنی به نظر می‌رسد. فوتبال آسیا ستاره‌های بزرگ پرشمارى در فوتبال اروپا داشته است. از هیدتوشی ناکاتا تا شونسوکه ناکامورا، کیسوک هوندا، علی دایسی، علی کریمی، پارک جی سونگ و سایر نفراتی که در فوتبال اروپا حضور موثری داشتند. با این وجود هیچ بازیکنی نتوانست به اندازه سون هیونگ مین چنین ثباتی را در اروپا تجربه کند. «سونالدوی» محبوب کره‌ای‌ها، حالا دوازدهمین سال حضور در فوتبال اروپا را پشت

سر می‌گذارد. او سال ۲۰۱۰ راهی باشگاه هامبورگ شد تا برای این تیم به میدان برود. جالب است که او هرگز به صورت رسمی در رده بزرگسالان برای یک تیم آسیایی به میدان نرفته و در حقیقت فوتبال حرفه‌ای را از قاره اروپا شروع کرده است. سون سه سال در عضویت هامبورگ بود و سپس برای دو فصل راهی لورکوزن شد اما سقف آرزوهای این ستاره همیشه بلندتر از بوندس لیگا به نظر می‌رسید. سون سال ۲۰۱۵ با یک قرارداد راهی تاتنهام شد و حالا یکی از پر تجربه‌ترین ستاره‌های ترکیب فعلی تیم به شمار می‌رود. نکته جالب در مورد سون، علاقه مفرط همه مربیانی است که در تاتنهام با او کار کرده‌اند. پوچتینو شیفته این ستاره بود، مورینیو علاقه زیادی به او داشت و حالا کونته بارها در تعریف و تمجیدها از سون نام برده است. در حقیقت حتی یک مربی در تاتنهام وجود نداشته که به تلاش همیشگی سون، درخشش او در زمین مسابقه و سبک بازی فداکارانه‌اش علاقه‌مند نباشد. با



آینده حرف‌های زیادی برای گفتن دارم.» ایراندوست در حالی تصمیم به جدایی از تیم ملی گرفته که به تازگی لیست ۲۷ نفره‌ای برای حضور تیم در مسابقات اعلام شده است. در هر حال اوضاع نشان می‌دهد

این حال به نظر می‌رسد سون برای بیشتر دیده شدن باید به دنبال راهی برای ترک اسپرز باشد. عجیب به نظر می‌رسد که باشگاه‌های بزرگ اروپایی هنوز برای خرید این فوتبال‌بست درجه یک قدم جلونگذاشته‌اند. بدون تردید سون اگر در اروپا متولد می‌شد، حالا باشگاه‌های بزرگ بودجه لازم برای خریدش را نداشتند اما متولد شدن در آسیا، کار را برای این فوتبال‌بست دشوار کرده است. به نظر می‌رسد او نیز به نوعی از جبر جغرافیایی دچار شده باشد.

سون این روزها به جز اسپرز، یک ماموریت مهم دیگر هم دارد. او کاپیتان تیم ملی کره جنوبی است و ظرف یک هفته با دو ایستگاهی فوق‌العاده دیدنی، دو گل استثنایی برای تیمش به ثمر رسانده است. او می‌خواهد در قطر، موفق‌ترین دوره حضورش در جام جهانی را پشت سر بگذارد و بر ای این کار، انگیزه‌های زیادی دارد. شاید حفظ این بازیکن در تاتنهام بعد از درخشش خیره‌کننده در جام جهانی، دیگر امکان‌پذیر نباشد. او باید بازی در یک تیم بزرگ‌تر را نیز تجربه کند.

که خبرهای خوبی برای فوتبال بانوان در راه نیست. نایب‌رییس بانوان فدراسیون نشان داده‌این تیم از دغدغه‌های اصلی‌اش نیست و فدراسیون هم بار دیگر راه بی‌تفاوتی را در پیش گرفته است. این حقیقا مصداق بارز بی‌انگیزه کردن جوانانی است که با کمی حمایت، برای افتخار آفرینی دست به هر کاری می‌زنند. هرچند از فدراسیونی که در فاصله کوتاه تا جام جهانی ۲۰۲۲ قطر برنامه‌ریزی درستی برای تیم ملی که سریع‌ترین صعود به این مسابقات را رقم زده ندارد، نباید انتظار داشت که برای تیم بانوانش وقت بگذارد و برنامه‌ریز دای کاش مسئولان ورزشی کمی بیشتر با وظایف خود آشنا باشند تا خروجی کارشان یک مشت ورزشکار بی‌انگیز نباشد.